

شمس الغضبية

بِسْمِ تَعَالَى تَبَارَكَ
 فهرست کتاب مبارک شمس المصنعه

شماره صفحه

مطلب

- ۲ در بیان علت تصنیف کتاب که ردی است بر کتاب فراید
- مقدمه :
- ۶ در تحریر محل نزاع و ذکر مطالب حضرات تعیین محل اتفاق و اختلاف در چند فصل
- ۶ فصل - در بیان مطالبی که اتفاقی است و ذکر شبهات حضرات
- « در بیان اینکه قرآن از جمله چیزهایی است که حقیقت آن متفق علیه است
- ۹ در این است
- « در رد بر شبهه که اتفاق میکنند که بعد از نزول کتاب جدید و شرح جدید نباید بکتاب گذشته تمسک کرد.
- ۱۱
- ۱۴ در بیان اینکه امور عالم بر دو قسم است : یا ضروری است یا نظری
- « در بیان اینکه امور دنیا بر سه قسم است : یا عقلی است یا عادی
- ۲۰ یا شرعی
- « در بیان اینکه امر دین باریچ نیست بلکه امری است جدی زیرا
- ۲۷ علت فانی و قوام ملک بان است
- « در بیان اینکه امروزه مایقین کرده ایم که حضرت سمنیر و امامانی

شماره صفحه	مطلب
	تشریف آورده اند و اخبار آمان در دست ما باقی است و کمی
۳۴	از آن امامان که خلیفه پیغمبر هستند هنوز تشریف دارند.
	فصل - در اثبات اینکه هر میت غیبیه ظهور در بردارش در عرصه
۳۶	افراد اوست که در دنیا ظاهر شود و راه معرفت آن است
۳۹	در اثبات اینکه در وقت ظهور امام هم حکم قرآن مطاع است
	در رد گفتار شخصی بنام جمال که ردی بر فرمایشات مصنف ^ع
۵۴	نوشته است.
	مقاله اولی
	در آن چند فصل است در مواضع رد بر نویسنده کتاب فراید برای
	ایضاح جواب هر فقره مطالب او را مصدر به «قال» و جواب را
	مصدر به «اقول» فرموده اند
۶۳	فصل - در رد قول او که گفته میرزا علی محمد میرزا حسینعلی امام زمان
۶۴	موجود حضرت سید الشهدا علیه السلام هستند.
	در رد قول او که میگوید همه سابقین حتی حضرت خاتم النبیین
۷۰	و مقدمه این ظهور بوده اند
۹۶	قال - در تریف کتاب اقدس و فرایمی شریعت بجا
۹۸	اقول - در رد این گفتار

شماره صفحه	مطلب
۱۱۴	قال - فصل اول : در احتجاج بآیات کتاب و افعال و شبهات
۱۱۴	اقول - در رد این گفتار و اظهار دروغهای که بافته
۱۲۲	قال - تا ویلاتی که راجع بر حجت و شمس و شمس حجت تو میماند
۱۲۲	اقول - در رد بر این تا ویلات
	قال - در اینکه کلام الهی عظیم حجت است و سایر معجزات را آثار
۱۲۴	زاینده نامیده باز کرد و جوی چند.
۱۲۵	اقول - رد گفتار او در این باب
۱۳۲	قال - در تعقیب قول قبلی و بیان وجوه دیگر
۱۳۲	اقول - در ابطال آن قول نجومی که وی گفته است
۱۳۲	قال - از سایر معجزات ترقیات حاصل میشود
	اقول - در رد این عقیده و اثبات اینکه معجزات انبیاء تکمیل
۱۳۲	نفس میکند
۱۳۴	قال - آیات و معجزاتی که قوم از نبی میطلبند موجب از یاد شک
۱۳۴	اقول - در رد ادعای نویسنده
۱۳۵	قال - خداوند در اثبات حقیقت رسول خیر تقریر آن احتجاج نفرموده است
۱۳۵	اقول - رد این عقیده
	قال - جن و انس از تیان سوره ای عاجزند و قدرت الهیه منقری

مطلب	شماره صفحه
فصلت ندم	
اقول - رد بز نویسندہ و اثبات اینکه این یکی را ہم کہ خواستہ است راست بگوید دروغ شدہ.	۱۳۶
قال - استدلال بآیہ : قالوا لولا انزل علیہ الخ	۱۳۶
اقول - رد گفتار وی و بیان مقصود و معنی آیہ	۱۳۷
قال - استدلال بآیہ : قالوا لولا یا تینا الخ	۱۴۴
اقول - در رد استدلال وی	۱۴۴
قال - استدلال بآیہ : وان کنتم فی ریب الخ	۱۴۶
اقول - رد قول او و بیان معنی آیہ و دلالت آن	۱۴۶
قال - استدلال بآیہ : وما کان هذا القرآن ان نعیری الخ	۱۴۸
اقول - معنی آیہ شریفہ و رد قول صاحب فراید	۱۴۹
قال - نتیجہ ای کہ از استدلال بآیات گرفتہ	۱۵۱
اقول - جواب از اقوال وی و توضیح مطلب	۱۵۱
فصل - گفته است : فصل ثانی در احتجاج با حدیث شبارات الخ	۱۵۶
اقول - جواب در رفع شبهات آن	۱۵۶
قال - مدعی است کہ با حدیث صحیحہ و متفق علیہ فیما بین اہل تسنن و تشیع اکتفا میشود.	۱۵۶

مطلب	شماره صفحه
اقول - توضیح در بارہ حدیث صحیح و کلمہ تسنن و تشیع	۱۵۷
قال - استدلال بحدیث ابی لبید مخزومی	۱۵۸
اقول - توضیح در بارہ معنی حدیث مذکور	۱۵۹
قال - استدلال بحدیث مفضل	۱۶۱
اقول - جواب از این گفتار و بیان مطلب و مضمون حدیث	۱۶۱
قال - در استدلال بقول سید عبد التواب شمرانی از علمای اہل سنت	۱۷۵
اقول - اظهار غلطت وی و بیاناتی در بطلان استدلالش	۱۷۷
قال - استدلال با حدیثی کہ مرحوم مجلسی در بخار نقل میکند راجع بہ شباب و حدیث سن آن حضرت	۱۸۹
اقول - در رد بر شبہاتش و توضیح معانی اخبار مذکورہ	۱۹۰
قال - استدلال بروایت یحیی بن سالم	۲۰۴
اقول - جواب آن	۲۰۴
قال - استدلال بقول اردپانیان و انکار وجود جابلقا و جابر سا	۲۰۷
اقول - رد قول او و اثبات وجود جابلقا و جابر سا	۲۰۸
قال - در استدلال بخطبہ حضرت امیر علیہ السلام و تاویل آن بزعم	
و میل خودش	۲۱۳
اقول - رد قول وی و بیان معانی خطبہ شریفہ	۲۱۳

- ۲۴۸ غیبت از بلاد شرقیه طلوع میکند.
- ۲۴۸ اقول - اظهار دروغهای صاحب فرایده و شرح بعض حالات میرزا علی محمد
- ۲۵۳ قال - حدیث ابان تغلب اشارتی است بانیمطلب
- ۲۵۳ اقول - در بیان اینکه حدیث مذکوره ابداً و خلی بنی مطرب و ندارد
- ۲۵۴ قال - ذکر حدیث نبوی و القاء شبهاتی باستفزاز
- ۲۵۵ اقول - جواب از این گفتار -

- در اثبات مدعای خود
۳۰۱
- ۳۰۱ - اقول - جواب وی و بیان اینکه آیه را غلط منعی کرده است
- ۳۰۳ - قال - ذکر قول محمد بن احمد بن رشید اندلسی بعنوان شاهد بر مدعی
- ۳۰۳ - اقول - در رد نویسنده و ادعاهای حضرات که کتابهای عربی و فارسی خود را معجز نمیخوانند
- ۳۰۵ - قال - در انکار احتجاج پیغمبر با معجزات برای اثبات رسالت
- ۳۰۵ - اقول - رد این ادعا و بیان اینکه اقرا بر خدا بسته و دروغ علمائے گفته است.
- ۳۰۷ - قال - استدلال بآیه: قل انی عن نیت من ربی الخ بر مدعای خود
- ۳۰۷ - اقول - در اینکه مضمون آیه دخلی مطلب او ندارد
- قال - در استدلال بآیه: و قسموا بالله جهدا یمانهم الخ و خلا
- ۳۱۰ - کلامش نیست که معجزات سبب هدایت نمیشود
- ۳۱۰ - اقول - رد گفتار او و بیان معنی آیه شریفه
- ۳۱۱ - قال - در این صورت چه فایده ای بر معجز قمرت است
- ۳۱۱ - اقول - رد این قول و بیان اینکه اگر معجز آوردن بهبوده باشد - خداوند توکار است نمود با نده
- قال - خداوند هدایت را در آیات کتاب قرار داده لیکن مردمین

۳۲۹ اقول - ترجمه آیه و شرح مطلب ورد استدلال او

قال - استدلال بآیات: قالوا ان نؤمن لك حتى تفجر لنا -

۳۳۰ من الارض ينبوعا الخ

۳۳۰ اقول - نقل حدیثی در شرح آیات شریفه ورد استدلال وی

قال - نتیجه از استدلالش گرفته که ادعای رسالت مستلزم

۳۴۳ اظهار خارق عادت نیست .

۳۴۳ اقول - جواب این گفتار ورد استدلالش

قال - مدعی است که آیات قرآن صریح در این است که حضرت

رسول ﷺ ابداً اقتراحات قوم را نپذیرفت و طالبین

۳۴۶ اظهار معجزات را اجابت نفرمود

اقول - رد این ادعا و نقل حدیث شهادت سومار و احادیث دیگر

۳۴۷ که در بیان بعضی معجزات حضرت رسول ﷺ است

قال - مدعی است که معجزات دلالت مستقده در اثبات صدق

۳۵۸ ادعای نبوت ندارند

اقول - رد مدعای او با استدلال بآیات و اخبار و توضیحات

مفصل و اینکه نویسنده فراید این کلمات شیطانی را از نصیر

۳۵۹ گرفته برای صید مسلمانین .

- ۳۸۸ افعال لازمه نبی و وصی است
 تشبیه سوم - در اینکه نبی و امام که رسالت و حجیت دارند روح بالاتر
 را دارا میباشند هرگاه صفات و افعال آن روح
 از آنان برزور کرد دلیل صدق ایشان است.
- ۳۹۷ تشبیه چهارم - در شرح این مطلب که مکرر نویسنده فرایه اشعار داشته که
 مسجرات دلیل مستقل بر نبوت نیست و بیان حق سآله
 ۴۰۰
- مطلب سوم
- در بیان بطلان کلام مصنف فرایه در خواشش معجز آوردن میرزا
 علی محمد شیرازی و دعوی میرزا حسینعلی بر اظهار خارق عادت
 ۴۰۷

هو الله العزيز الغالب عز اسمه

کتاب شمس المصیبه در زوهمات
بابیه از تألیفات جناب العالم الربانی و حکیم
الصمد فی التانی عن دین سید المرسلین تحریف
الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین و شہادت
الشیاطین المولی الامجد المؤید لہد و حاج محمد
ادام الله ایام افادته و اعوام افاضاته بحمد
غلبہ و آلہ المعصومین المظلومین و اللعنتہ
و السخط علی عدائہم اجمعین

۱۳۲۲

نگارنده و مستود اوراق احمد بصیرت

و تعظیم نموده بعضی از اینها واقعه طول گشته از این خادم شرحیت عزا و ناشی است بیضا نشینند
 ردی بر آن نویسیم و اگر چه کتب عدیده در جواب شبهات آنها برقیهای محنت نغشته بودم و
 از برای کسیکه بر آنها واقف بود حاجت نبود بجهت اینکه حضرات علم دارند که بتوانند بدستی جدید بگذرانند
 یا حسیلی تازه بورزند که باعث شبهه شود نوع شبهه های ایشان یکی است و ادله هم که بر علم خود
 بر بدعت خود اقامه نموده اند یک نوع قصص و جنباری هم که تسلیم خود قرار داده اند کی نوع است
 و جواب بعضی از آنها را که عرض کردم باعث رفع همه شبهه می شود و لیکن جهت اینکه مصنف این کتاب
 فی الجمله تشبیه از سایر بیشتر بوده و با اهل علم زیاد تر نشسته است مگر و خدعه اش بیشتر شده
 دومی که برای شکار کردن قلوب ضعیفه اذاحه است و وسیع تر بوده است و مردمان ضعیف بجهت
 حسن ظن نوعی که دارند بجهتی که کسی حسرتی زد در روایت از امام کرد باور میکنند و بهمان حسن
 خود اعتماد می کنند دیگر قوه متبحر نمودن و استنباط کردن و تمیز راست و دروغ دادن حق باطل
 شناختن ندارند لابد که درنی بسپارند و طلباء کرام ضایع و امان بهمت بر کمر زده بقدر مسووع
 شبهات این مرد را هم بنامیم و لا حول و لا قوة الا بالله و لیکن جهت اینکه کلام مکرر را باعث
 است بخصوص برای من هم از جهت موانع بسیار و علیل مزاج و ضعف چشم زیاد نوشتن و در
 میرفت لهذا آنچه در سایر کتب نوشته ام در این رساله تفصیل ننیدم و مختصر بیان
 کنم مطالبی که مفید فایده نیست یا هر کس سطلان آزادی دهد جواب منبگویم عبارات او را هم
 حاجت نقل میکنم ولی تمنای کنم از ناظرین در این ادراک که بضاف رایشه خود قرار داده بدو
 اعتساف نظر کنند و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بهمان ترتیب که او کتاب خود را مرتب
 ساخته جواب را مرتب ساختم بجهت اینکه آنها طاجره آنچه ذکر کرده بکمال باشد چون بعون الله و حسن
 توفیق و برکت صاحب کار عمل آنست در این رساله مشون گشت بر این مرتبه و آنچه که بر هر طالب

والله لئن لم يكن الله ليوم يحزنون لعذاب الهون بما كنتم تقولون
 على الله خيرا لحق وكنتم عن آياته تتكبرون انما كنتم تقولون بالبرهان
 ودر حدیث وارد شده باینکه بشرع جدید و کتاب جدید و این حدیث ضعیفی است که بدو
 روایت کرده اند و یکی از حضرات خواسته لشکری درست کند این حدیث را از چند کتاب بعضی
 از دیگری نقل کرده اند تعداد کرده که عوام بیچاره گول بخورند که اینهمه مردم بخیریت روایت
 کرده اند پس متواتر است و عالم میداند که چنین چیزی متواتر نیست و ماخذ همه یکی است یعنی
 اینست که من حدیثی نقل کنم یک نفر از من نقل کند دیگری از او و بعد از آن یکی از دیگری نقل کند
 کسی نمیکوید که متواتر است بلی اگر در نفر مثلاً یا اقلا پنج نفر از امام شنیده باشند بدو
 واسطه نقل کنند گفته میشود متواتر است و مسلم نیز روایت بانوجه متواتر نیست و خلاف
 خدا و سایر اخبار است و خود مصنف اقرار کرده حدیثی که مخالف کتاب است باید ترک کرد و اینها
 بیانش سابق کردم که بر فرض صحت مراد کتاب است که حضرت میر علیه السلام نوشته اند که
 عدیده در این باب وارد شده است که انتخاب در نزد ائمه است و ظاهر میشود تا ما مسلمان ظهور
 و مسلم انتخاب بر که بیاورند نسبت بانیکتاب که دست است جدید میشود و بعضی از حضرات نقل
 رد میکنند با بعضی که کتاب جدید یعنی نو و تازه و آن قرآن جدید نیست قرآن قدیم است عرض
 میکنم اولاً نسبت بانقرآن که در دست است مسلم او جدید میشود زیرا که مسلم است که در کتاب
 بانیکتاب فرق میکند آیات هم خیلی کم و زیاد دارد و چنانچه در بعضی اخبار است که میفرمایند
 چنان بوده است و حال قسم دیگر قرائت میشود بعد از آنکه بطور نزول اول آوردند مسلم جدید
 میشود و همچنین در حدیثی میفرماید که زیاد از ثلث قرآن در میان این دو آیه فاده است که میفرماید
 و ان نضمت ان لا تقطوا فی لیسما فانحو ما طاب لکم من النساء تا آخر پس چون کتاب

اورند که بقدر ثلث بیشتر داشته باشد مسلم جدید میشود و بر فرض این راهم منکر شوی میگویم قرآن
 اول مسلم باید نزد امام باشد بیا و برید زیارت کنیم و آن کتاب جدید که میآورد لابد باید
 آثار سابقه در آن ظاهر باشد این کتاب شایسته میباشد از کجاست که هیچ بچه طلبه انقسم سخن نمیکند
 و این حدیث بمقتضای اینکه لباطل میوت تبرک ذکره خود حضرات هم غالباً نسخ کرده اند
 و اعتناء بان نمیکند و حضرات بهای که مستفاد شدند ایقان هم از آسمان آمده عجب آسمان است
 قسم نامر بوطها انجا میرانید شاید شیاطین که بجهت استراق سمع میرفته اند آخر الزمان با محمد
 بنای صعود گذارده اند و آنها نیز فرخات را فرود میآورند و الا طس که که این نامر بوطها
 نازل نمیکند خلاصه در خانه اگر کسی است بحرف است * و در طال با اینها که در
 مجوز هم کرده بلیف در کافی است و اگر کسی درست تا تل کند همه فرخات او جواب داده

تمام شد در مقاله اولی از کتاب فراید دست خادم دولت امام محمد

فداه و صلوات الله علیه و علی اجداده بطاهرین و ذریه اشکری

فی ۱۳۲۰ حامد مصلیا مستقرت و قد فرغ من توبه

هذه نسخة لشریفة بون الله المنان ابن محمد

المدعو بالبصیرت و انا عبد بن عبد

مصنفه لارال طلبه علی زوی

و مولیه و سایر الامام

و مهول من الله

ان یوفی بقراب قدیمیة و قیام خدماته بعد از آنها

بنفقہ جناب آقای سید حسین آکھاشمی و جناب آقای کاظم حیدری

طبع گردید